

تربیت نسوان و مولیر (۱)

بقلم مادام هلن هس (۲) رئیس دارالمعلمات. ترجمه آقای میرزا حبیب‌الله خان مظفری

در تمام ممالک تعلیم و تربیت مواجه بحل مسائل مختلفه میباشد که مهتر از همه این مسئله است: « آیا تعلیم باعث سرپیچی و تنفر نسوان از امور خانه و زندگانی خانوادگی میشود یا نه؟ » هرگاه باین سؤال جواب مثبت بدهند لازم میاید که با تحصیل نسوان مخالفت نموده و از ترویج آن جلوگیری کامل بعمل آید. خانواده محیطی است که در آنجا اخلاق به منتهی درجه نمو مینماید و چنانچه شوهر بواسطه عدم مراقبت زن از خانه گریزان گردد و اطفال از مواظبت مادر محروم بمانند موجبات زوال اخلاق و انهدام هیئت جامعه فراهم خواهد گردید

شاعر و نویسنده بزرگ تیاثر مضحك فرانسه «مولیر» مسئله فوق را تحت مطالعه و دقت در آورده است بیفایده نیست عقاید و افکار او را بیان نموده ضمناً طریقه را که برای حل مسئله در نظر گرفته است ذکر نمائیم. قبلاً باید بدانیم که این دانشمندان بزرگ عموماً نه فقط برای يك ملت بلکه برای تمام ملل تفکر نموده و برای بهبودی وضعیت عموم افراد ناس و عالم انسانیت متحمل زحمات شده اند و عموم زن و مرد دنیا میتوانند از گفتار آنها بهره برده استفاده نمایند

در عصر مولیر عده از نسوان با ذكاء و متانت بودند که نفوذ کاملی در ادبیات و اخلاق و عادات فرانسه داشتند چنانکه یکی از آنها «مارکیز دورا مبویه La marquise de Rambouillet» که از طبقه اشراف و بایادشاه فرانسه نیز قرابت داشته است عده از اشخاص را که بواسطه طرز رفتار و هوش و ادراك جبلی طرف توجه بوده اند

مرتبا در قصر خود دعوت مینمود و مجلس ادبی تشکیل میداد در نتیجه زحمات آنها زبان فرانسه از کلمات عامیانه تصفیه شد گرامر تنظیم و تدوین گشت و شاهکارهای مهمی بعرضه بروز و ظهور رسید منجمله مراسلات بالزاک *Les lettres de Balzac* منظومات مالرب *Les poèmes de Malherbe* تیاترهای غم انگیز رترو و کرنیل *Les tragédie de Rotrou et de Corneille* و پندهای رش فوکو *Les Maximes de La Roche foucauld*

اعضای انجمن مذکور دارای افکار عالی و طرز انشاءدلسپندی بوده‌اند و بواسطه معاشرت و نفوذ نسوان طرز رفتار وسلوک آنها کاملاً پسندیده و شایسته بوده است در قصر مارکیز دورامبویه خانمهای محترمه از قبیل ماد موازل دواسکودری *Mademoiselle de Scudéry* مادام دولافیت *Madame de La Fayette* که رمانهای معروف نگاشته است مادام مادام دوسوینه *Madame de Sévigné* و عالمه باصول تعلیم مادام دومنتن *Madame de Maintenon* مرتبا حضور میافتند و یکی از شرایط مهم عضویت در این انجمن اِتصاف بااخلاق حمیده و پسندیده بوده است. بعلاوه در آن عصر طبقه اشراف جدیت کاملی برای تربیت نسوان ابراز میداشته و در اینراه از بدن هیچگونه جهد وجد فروگذار نمی‌کردند بلکه سوئد و شاهزاده خانم پالاتین *La Princesse de Palatine* از شاگردان و مریدان دکارت *Descartes* بزرگترین فیلسوف و ریاضی دان قرن نوزدهم بوده‌اند و مراسلاتی را که این عالم شهیر بعنوان این دوخانم راجع بمسائل اخلاقی و ریاضی نگاشته است تا امروز محفوظ مانده

نسوان طبقه متوسط نیز از نسوان عالمه طبقه اول مملکت تقلید

نموده برای مباحثه در مطالب مشکل علمی و ادبی درهای منازل خود را بروی شعرا و دانشمندان و غیره باز نموده و درمسائل علمی و ادبی بحث مینمودند و این ترتیب که تغییر عادات و رسوم متین ملت فرانسه را فراهم مینمود بی خطر نبود زیرا تا قبل از عصری که موضوع بحث ما است نسوان طبقه متوسط بترك خانه نكفته و باغیر از مردهای خانواده خود با مرد دیگری معاشرت مینمودند و اوقات خود را با رعایت تام قوانین اخلاقی فقط صرف خانه داری میگردند.

مولیر که روحی جسور و متهور داشت و ضمناً ملتفت آنچه طرف احتیاج یا باعث حفظ صفات حسنه است بود شروع کرد به جلوگیری از زیاده رویهایی که حاصل این سبك و روش جدید بود و برای نیل باین مقصود دو تیاتر مضحك (كمدی) موسوم به زنان خود نمای مضحك *Les Femmes savantes* و زنان دانشمند *Les Précieuses ridicules* نگاشته منتشر ساخت. مولیر در این دو كمدی که اولی خیلی مضحك و دومی جدیتر و عمیقتر میباشد بدون اینکه مقصود باطنی خود را علناً ابراز نماید در ضمن این تیاترهای خنده آور عقاید خود را راجع به تربیت نسوان بیان مینماید. دو كمدی فوق الذکر تأثیر کاملی در اخلاق عامه نسوان كرده و بعقیده نگارنده تا امروز نیز زنهای فرانسه را یعنی فرانسویهای حقیقی را که بواسطه عدم معاشرت با اشخاص خارجی نمیتوان سهولت شناخت از افراط خطرناك در طرز زندگانی و تعلیم و تربیت خود محفوظ داشته است. بعقیده مولیر زن عالمه حقیقی زنی است که وظیفه اصلی خود را شوهر داری و تربیت اولاد خود بداند. مقصود از تربیت و تعلیم نسوان همانا روشن کردن اخلاق آنهاست تا بتوانند نفوذ نافی در اولاد خود داشته و از اینراه صفات پسندید را در نژاد ترقی داده

و باعث عظمت وطن خود گردند .

در کمدی « زنان دانشمند » مولیر یک خانواده فرانسوی را بشرح ذیل معرفی مینماید : اولاً مادری که زنی باهوش و با عزم است تمام خانواده را اداره کرده رئیس حقیقی خانواده است از این ریاست قدری تجاوز میکند : و بقول خدمتکارخانه *Nous voyons que d'un homme on se gausse quand sa femme chez lui porte le hant-de-chausse* « وقتی که زن در خانه شلوار مردانه بپوشد شوهر طرف استهزا واقع میشود »

ثانیاً شوهری که شخصی است بی اراده و اگرچه مرد بی اذیتی است اما بی نهایت عامی و احمق میباشد و کاملاً اختیارات را بزن خود واگذار نموده است عیالش مانند زنهایی که در هتل دورا میبویه آمد و شد و دارند تربیت یافته و تمام اوقات خود را بمسائل ادبی و نجوم و صرف و نحو و فلسفه مصروف میدارد خواهر زنش از خواهر خود تقلید مینماید اما بواسطه عدم هوش و ذكاء عکس او میباشد این زن و شوهر دو دختر دارند که مطابق محیط خود صاحب معلومات میباشند دختر ارشد موسوم به آرماند *Armande* بواسطه معلوماتی که کسب کرده خیلی از خود راضی است اما دختر کوچکتر موسوم به هانریت *Henriette* بسیار محجوب و عقل سلیم خود را از دست نداده است . در این خانواده دو نفر آمد و شد دارند یکی جوانیست تربیت شده و دیگری دسیسه کار و عالم نما و شاعری است که اشعارش بفروش نرفته میخواهد بوسیله ازدواج با خانواده معتبرین بکارهای خود سر و صورتی بدهد . یکی از این در جوانی که دارای اخلاق پسندیده و با ثروتم میباشد یکی از دختران نمایل دارد و بی میل نیست که او را بجباله نکاح در آورد اما مادر دختر جوان

دیگر را که بیش از يك عالم دروغی مضحك و خطرناك نمیباشد ترجیح داده میخواهد بدون تردید او را بسمت دامادی اختیار نماید و جداً میخواهد که دامادی این جوان را بر شوهر خود بقبولاند لیکن خدمتکار خانه که یکی از خدمتکارهای خوب زمان گذشته است یعنی از خدمتکارهایی که بواسطه فداکاری و وفا به ولینعمتهای خود جزو خانواده بشمار رفته و عقاید خود را علناً اظهار میداشتند از تصمیم خانم خود مطلع شده و از اجرای آن ممانعت مینماید، این خدمتکار موسوم به مارتین *Martine* شخصی است عجیب زبان فرانسه را خوب نمیداند و در موقع مکالمه کلمات ناصحیح عامیانه و قدیمی استعمال مینماید گرچه خوب حرف نمیزند لکن خوب فکر میکنند از نور علم محروم است ولی دارای عقل سلیم و قلبی بصیر میباشد باینجهت بدسایس جوان فوق الذکر زود پی برده و پدر ضعیف دختر را تشویق نموده و در نتیجه اقداماتش بالاخره نجات فاتح میگردد و ازدواج وقوع نمییابد در اینجهت است که مولیر یکدرس اخلاقی بما میدهد و صفاتی که برای زن و حتی برای مرد نیز لازم است بیان میکند و میخواهد بفهماند که صرف نظر از فکر درخشان و معلومات باید کرد و فقط صفات خوب را مانند مارتین باید دارا شد. اما مولیر مخصوصاً در دو قسمت این کمدهی فکر خود را ظاهر میکنند: در قسمت اول رئیس خانواده که بکلی صبرش تمام شده عیال و خواهر خود را مخاطب قرار داده عقیده خود را نسبت بوضع زندگانی آنها اظهار میدارد گرچه عقایدش عامیانه است معهداً بکلی عاری از حقیقت نیست. رو بهمرفته عقاید توده جاهل را بیان میکند چنانکه میگوید:

« من در منزلت کتاب نمیخواهم همه را بسوزانید و مرا از این دورین طویل بد شکل که باعث ترس مردم است خلاص نمائید بعضی

اینکه تجسس نمائید در کره ماه چه وقایعی رخ میدهد بهتر است بکارهای خانه خودتان که در آنجا کمال بی‌نظمی حکمفرما است توجه و مراقبت نمائید بواسطه دلایل متعدد جایز نیست که زن تحصیل بکند و آنقدر زیاد معلومات حاصل نماید باید تحصیلات و فلسفه زن عبارت باشد از ایجاد اخلاق حسنه در اطفال خود اداره کردن امور خانه و مواظبت در چگونگی احوال اشخاص و تنظیم مخارج . اجداد ما که اشخاص عاقلی بوده اند گفته‌اند « زن با عقل و با علم زنی است که فکرش بقدری توسعه داشته باشد که بتواند نیمتنه را از شلوار تمیز بدهد و این مقدار معلومات برای زن کافی است . »

میتوان گفت در سابق با وجود اینکه جهل بر طایفه نسوان تسلط داشته و اشتغال آنها فقط با امور خانه بوده است وضع زندگانی بدتر از امروز نبوده .

نقطه مقابل این عقیده عقیده ایست که در قسمت اول کمدی دختر ارشد خانواده بیان مینماید : هیچ چیز بهتر از علم نیست امورخانه داری بی نهایت تنزل دهنده و خفیف کننده است تنها مسائل علمی است که روح را تربیت میکنند چنانچه بخواهر خود میگوید :

..... « خواهر من بعوض اینکه مانند برده مطیع مرد بشوی

علم فلسفه را بجای شوهر اختیار کن . »

عقیده طرفداران تعلیم افراطی نسوان از من موم این سطر بکلی هویداست و ایندختر علنا میگوید باید زن خود را کاملاً از اطاعت مرد مستخلص نماید . پس کدام یک از این دو عقیده صحیح است و مولیر طرفدار کدام یک از آنها است ؟ جهالت چیزی نیست که انسان برای مرد یا برای زن آرزو کند ترقی بشر مربوط به ترقی فکر افراد ناس اعلم از ذکور و انات میباشد

و علم برای عالم بشریت مفید و نافع است ولی باید اشخاصی که صاحب استعداد مخصوصی هستند علم را برای نفس علم تحصیل نمایند. مولیرچندان مایل نیست که نسوان تحصیل علم را بحسب رسانند که ادعای دانشمندی بنمایند چنانکه میگوید: «من زنهای خیلی عالم را نمیسنم». بنابعقیده او باید زنهای فکر خود را بوسیله تحصیل توسعه داده از نتایج زحمات دانشمندان بهره مند شوند بدون آنکه بخواهند مقام آنها را حائز گردند چنانکه باز میگوید: «من میخواهم که نسوان اطلاعات مختصری از هر چیز داشته باشند.» اما لازم است که زن اطلاعات علمی خود را بمعرض نمایش نگذاشته و حجب طبیعی خود را از دست ندهد. نباید زن علم را برای نفس علم دوست بدارد بلکه باید نتایج حاصله از علم را در زندگانی خود بکار ببرد. زن عاقله زنی است که تحصیل او را از زندگانی طبیعی خود باز نداشته بلکه وسیله باشد که بطور اکمل وظایف خانه داری را که شتغی او است انجام دهد عقاید مولیر خیلی مفید است و باید توجه خصوصی بانها معطوف داشت. عقیده نگارنده بر آن است که میتوان افکار مولیر را در باره تحصیل نسوان در ایران اجرا نمود. بعقیده من خیلی مضرت است که بخواهیم در ایران زنهای خیلی دانشمند تربیت نمائیم و آنها را از وظایف طبیعی خود که عبارت است از زندگانی برای خانواده و اطفال خود باز داریم چه این وظیفه و وظیفه آسانی نیست و باید عموم نسوان خود را برای انجام آن کاملاً حاضر نمایند. از طرف دیگر زن جاهله هم هیچ نفوذی در شوهر یا سواد خود نخواهد داشت و پسران او که خود را در مدرسه برای زندگانی جدید مهیا مینمایند مطیع چنین مادر نبوده احترامات لازمه را نسبت باو بجای نخواهند آورد زیرا که هیچ ارتباطی بین آنها موجود نیست پس برای آنکه زن در داخل خانواده نفوذ خود

را از دست ندهد باید کسب معلومات بنماید. علم خانه داری چیزی نیست که بشود با تجربه و ممارست بدست آورد بلکه خودبه تنهایی علم مخصوصی است چنانکه حفظ الصحه خود مبحث علیحده است که باید زن برای پرورش اطفال خود تحصیل نماید بنا بر این دختران باید در مدرسه علم خانه داری و حفظ الصحه را بیاموزند و اطلاعات مختصری نیز از هر يك از شعب مختلفه علوم داشته باشند. بطوری که مولیر میگوید: «بعقیده من نسوان باید اطلاعات مختصری از هرچیز داشته باشند.»

متخصصین تربیت چه میگویند؟

معلم است که بداند چگونه خود را نزد شاگردان محبوب کند و چگونه آنها را از خود بترساند و وادارد که اطاعتش کنند.

پستالوجی

علم مانند خرد و محاکمه نیست. زیرا باخرد و محاکمه خیلی کارها را میتوان انجام داد در حالتیکه علم از خرد و محاکمه وارسته نیست

موته نی

هنکامیکه درس میدهم میکوشم که باذهان شاگردان بال و پردهم

تیندال

نباید باذهان شاگردان بال و پردهم بلکه لازم است تیری حاضر نمود

که ذهن شاگردانرا از پریدن باز دارد

به کن

لازم است که بشاگردان کم یادبدهیم ولی هرچه ممکن است بیشتر

سینر

آنها را باکتشاف و تجارب شخصی واداریم

مقصود از تدریسات ابتدائی تعلیم آنچه یادگرفتنش باشد نیست بلکه

ژرارد

بلکه تعلیم آنچه راست که جهلش جائز نیست.